



## نگاه

■ بینال گرافیک ■

به بهانه غیبت برخی چهره‌ها در رویدادهای هنری هنرمندان ما چه می‌کنند

احمد واعظی

تهران امروز

دومین دوسالانه گرافیک‌هم در هفته گذشته کار خود را آغاز کرد. حالا دو دوسالانه گرافیک (جهان اسلام و پوستر تهران) با فاصله یک هفته از هم کارشان را آغاز کرده‌اند. البته برای هر کدام از آنها نام و عنوان جداگانه‌ای انتخاب شده اما اینکه این دو رویداد تا چه اندازه متفاوت هستند، موضوعی دیگر است.

همزمانی دوسالانه گرافیک جهان اسلام و دوسالانه پوستر تهران، یکبار دیگر این سوال را پیش می‌آورد که آیا برگزار کردن چندین دوسالانه با یک موضوع محوری مشابه می‌تواند سودمندتر باشد یا تمرکز امکانات آن دوسالانه‌ها در یک رویداد واحد و صرف هزینه‌ها برای یک اتفاق هنری.

برای بررسی این موضوع باید در ابتدا به این امر پرداخت که هدف از برگزاری دوسالانه‌ها چیست؟ آیا همان‌طور که در جهان مرسوم است ما هم قصد داریم آخرین و جدیدترین دستاوردهای هنری خود را در نمایشگاهی تحت عنوان «دوسالانه» به نمایش بگذاریم یا تنها هدف‌مان پرکردن بیلان سالانه است.

البته ناگفته نماند که غیر از بخش دولتی که مسئول برپایی این رویدادهاست و نگاهی کاملاً اداری و بیلتانی به هر اتفاقی با عنوان «دوسالانه» دارد، هنرمندان کشور نیز با بازیگران اصلی این رویدادها محسوب می‌شوند. درست است که نگاه دولتی چه از سوی وزارت ارشاد و چه از سوی نهادهای دیگری مانند فرهنگستان سبب‌هایی جدی به حرفه‌ای بودن این دوسالانه‌ها وارد کرده است اما آنچه در هر نمایشگاهی ارائه می‌شود پیش از هر چیز به خالقان آثار و هنرمندان بستگی دارد.

حال باید به این سوال پاسخ داد که آیا فضای هنری ما و هنرمندان ما آستین چنان خلاقیت‌هایی هستند که به‌طور میانگین در هر سال،نمایشگاهی بزرگ و سراسری برگزار کنیم و جدیدترین دستاوردهای هنری آنها را به نمایش بگذاریم؟

بله، همین‌طور که با هم فریاد برمی‌آوریم می‌آمدیم تا زمانی که بستری لازم برای هنرمندان فراهم نشود و آنها نتوانند با آزادی عمل به خلق آثار خود بپردازند نمی‌توان انتظار عجیب و غریبی از فضای هنری کشور داشت.

تا زمانی که دولت حمایت‌های خود از هنرمندان و جریان‌های هنری را عمومی نکند و امکاناتش را در اختیار تمامی طیف‌های مختلف از هنرمندان اختصاص ندهد، نمی‌توان در فکر حرکت‌های جریان‌ساز هنری بود.

البته در صحت این حرف‌ها هیچ تردیدی وجود ندارد. اما این نکات باعث نمی‌شوند ما نقش هنرمندان را فراموش کنیم.

آیا هنرمندان ما به‌خصوص نسلی که امروز به عنوان معلمان نسل جوان شناخته می‌شوند هنوز هم آثاری نوآورانه و کلافانه از خود به‌جای می‌گذارند یا فقط به تکرار گذشته‌های خود مشغولند. از آن طرف جوان‌ترها چه می‌کنند؟ آیا آنها به‌کیی برداری از روی آثار معلمان خود یا نمونه‌های غربی مشغولند یا سعی دارند آثاری تازه خلق کنند؟

قصداً این نیست که بگوییم تمام آثاری که این روزها در کشور خلق می‌شوند از همین قانون کلی تبعیت می‌کنند اما بیابید منصف باشیم و ببینیم چند درصد از آثاری که در دوسالانه‌های ما به نمایش گذاشته می‌شوند، چه آثار پیشگوتران و چه آثار هنرمندان، دارای نوآوری و خلاقیت هستند؟

در این نمایشگاه‌ها شمایی که مخاطب آثار هنری هستند در مقابل چند اثر می‌بایستید، با دقت به آن نگاه می‌کنید و آن اثر در ذهنتان می‌ماند؟

در کشور ما مدت‌هاست که تکلیف هنر سفارشی روشن است و شرایط کمک‌ها و حمایت‌هایی را که از هنرمندان می‌شود همه می‌دانند اما آن گروه بزرگی از هنرمندان مدعی استقلال هستند و (با بلاپروتن اینکه در شرایط سختی کار می‌کنند و امکانات لازم را در اختیار ندارند) چه فعالیت‌های جریان‌سازی انجام داده‌اند؟

اصلاً بیابید خلق آثار هنری را فراموش کنیم و نگاهی به فعالیت‌های منصفی هنرمندان بیندازیم. چرا این همه دعوا و کشمکش بین هنرمندان غیردولتی وجود دارد؟ چرا آنها نمی‌توانند با هم کنار بیایند تا در شرایطی که امکانات دولتی در اختیار آنها قرار ندارد، حداقل از پشتیبانی هم برخوردار باشند و بتوانند اقدامات تاثیرگذاری در فضای هنری انجام بدهند؟ چرا هیچ کدام از هنرمندان ما همدیگر را قبول ندارند؟

این روزها بحث حضور نیافتن هنرمندان در رویدادهایی مثل جشنواره سینمایی حقیقت، دوسالانه‌های گرافیک و کاریکاتور داغ است اما خود آنها، خارج از این بستری که وجود دارد چه کارهایی انجام می‌دهند؟

درباره شهری که رمان «هرشد و مار گریتا» را محبوب کرد

## مسکو، شهری برای شیطان

چند سالی است که هم‌زمان با سالروز اولین انتشار رمان «هرشد و مار گریتا» در خیابان‌های مسکو مردمی را می‌بینید که در توره‌های دسته جمعی با نقشه‌هایی در دست به خانه‌ها و حاشیه‌های رودخانه و پاتریک پاندر، حاشیه‌باغ کالج کرملین و هر جایی که شیطان در آن ظهور کرده‌است پامی‌گنارند و درباره‌هاشکمار میخائیل بولگاکف حرف می‌زنند. شیفتگان این رمان سال‌ها پیش روزها و روزها...



عکس: ایسنا

نگاهی به دهمین دوسالانه پوستر تهران

# بضاعت اندک داخلی‌ها در قیاس بادست پر خارجی‌ها

شرکت نمی‌کنند

قیاد شیوا، رئیس دوسالانه که در گیرودار ماجرا همچنان بر روند عادی دوسالانه تاکید داشت، خود نیز در روزهای پایانی به انصراف‌دهندگان پیوست و از این جهت کنجکاو‌ی برای دیدن آنچه رابه عنوان بضاعت دهمین دوسالانه پوستر عرضه می‌شود دو چندان کرد.

■ ■ ■

اولین پوسترها متعلق به طراحان ژاپنی است، البته بی‌آنکه تقسیم‌بندی‌ای صورت گرفته باشد. «تا کاشی آگیاما» پوسترهای خود را در نهایت سادگی با استفاده از تصویرسازی ارائه کرده‌است. در کار هنرمندی از چک – کارل اوپرشت – که بر اساس تریولوژی شکسپیر سه پوستر ساخته‌است، استفاده هوشمندانه از رنگ دیده می‌شود؛ رومثو و زولیت به رنگ قرمز، راه لیر، نخودی و آتللو که یک شمشیر نیز از میان حروف آن گذشته‌است، نارنجی است «گاکو اوسوگی»طراح ژاپنی دیگری است با ایده ناب و اجرای فوق‌العاده دقیق و تمیز که ردپایی از آپ‌آرت را می‌توان در پوسترهای او دنبال کرد. «کاری پیپو» از فنلاند که پوسترهای نیز در بزرگداشت فریدا کالو و دیپه کو ربورا ساخته، کارهای خود را در فضایی خلوت و با استفاده از رنگ‌های تخت‌ارائه کرده‌است؛ نکته‌ای که عموماً در پوسترهای ایرانی دیده می‌شود.

از «پروسوسکی لزچک» از لهستان چند اثر آمده است که بیشتر به نقاشی‌های فیگوراتیو اکسپرسیون نزدیک است تا پوستر؛ که در آن پیام رسائی باید در درجه اول اهمیت قرار داشته باشد. بعد از کارهایی از سوئیس و لهستان، یک مرتبه سه پوستر از طراح ایرانی –محمد جمشیدی– قرار گرفته‌است. نکته‌ای که در سال‌های اخیر در اغلب نمایشگاه‌های برگزار شده در موزه معاصر شاهد آن بودیم، فقدان یک نگاه کارشناسانه و تخصصی جهت چیدمان آثار است که در این دوسالانه این امر به اوج خود

می‌رسد. در دهمین دوسالانه پوستر بعد از دیدن مثلاً ۲۰ کار از طراحان زاین، کره، سوئیس و... دو پوستر از ایران قرار گرفته و باز مجدداً آثاری از کشورهای دیگر.

در اولین بر خورد از این نوع در این دوسالانه علت آن معلوم نمی‌شود، اما هر چه در سالن‌ها جلوتر می‌روی مشخص می‌شود که برگزار کنندگان،

خواسته‌اند کمیت و البته کیفیت بسیار پایین پوسترهای شرکت‌کننده ایرانی را از طریق در هم پیوست و از این جهت کنجکاو‌ی برای دیدن آنچه می‌روی مشخص می‌شود که برگزار کنندگان،

خواسته‌اند کمیت و البته کیفیت بسیار پایین پوسترهای شرکت‌کننده ایرانی را از طریق در هم پیوست و از این جهت کنجکاو‌ی برای دیدن آنچه می‌روی مشخص می‌شود که برگزار کنندگان، خواسته‌اند کمیت و البته کیفیت بسیار ضعیف است، اما شرکت کنندگان داخلی بسیار ضعیف است، اما در این میسان نیز می‌توان چیره‌دستی در عین سادگی بی‌نظیر طراحان شرق دور را نظاره کرد؛ پوسترهای شرکت‌کنندگان داخلی بسیار ضعیف است، اما پوسترهای شرکت‌کنندگان خارجیابی و همین‌طور به صورت تکرار شده در جهت‌های مختلف و معکوس به شکل برگ‌های گل نیلوفر و حتی در حاشیه پوستر و همین‌طور جهت‌های مختلف و معکوس به شکل برگ‌های تخت و اشباع است که این نکته البته در وهله اول به‌شاخت بسیار دقیق آنها از رنگ باز می‌گردد. آثار موفق طراحان شرقی دور، پوسترهای غربی نیز حضور دارد که در آن دو چهره از جنگ را به نمایش در آورده است و همچنین پوستر دیگری از همین طراح – لی می جونگ – که در آن پرتو یک مرد کربای آمده است با چهره‌ای

که مدارهای الکترونیکی آن را پوشانده است. همچنین اثر ضد جنگ دیگری از کره، تصویر یک تیغ اصلاح را نشان می‌دهد که به جای سه فضای بریده شده بر روی آن، جای سه ابزار جنگی خالی است و عبارت ضد جنگ درج شده در بالای صفحه نیز توسط آن تیغ بریده شده است.

باز هم چند پوستر ایرانی – که از لحاظ تعداد مثل سوئزی در انبار کاه به نظر می‌سند– دیده می‌شود؛ کارهایی بسیار ضعیف از مرتضی اتابکی و پوسترهای از تاتاری که در کمال تعجب، طراح فراموش کرده‌است نام‌نمایش را در صفحه پوستر خود بیابورد و به‌جای آن برای مخاطب احتمالاً ژاپنی، الفبای ژاپنی را زیر هم ردیف کرده و بعد نام گروه تئاتری ایرانی را آورده‌است؛ یا طراح دیگری که معلوم نیست از تصویر کردن انعکاس پنجره بر روی دیوار و نوشتن عبارت انگلیسی summer at home 2009 چه منظوری داشته است. پوستر دیگری که برای جشنواره جهانی خط نگاره یزد طراحی شده، پوسترهای با زمینه قرمز مایل به صورتی است؛ رنگی که معلوم نیست باید ببیننده را به یاد شهر کوبری یزد بیندازد یا جشنواره خط نگاره؟ پوسترهای طراحان ایرانی – که غالباً از شهرستان‌ها نیز آثار خود را ارسال کرده‌اند– گذشته از کیفیت پایین طراحی‌ای عدم‌شناخت رنگ ضربه‌دیده، آثاری که به زحمت می‌توانند حتی نماینده‌ای از سطح پایین‌ترین پوسترهای دانشجویی باشند.

اگر چه در این میان هم می‌توان آثار قابل‌قبول‌تری را مشاهده کرد مثل پوسترهای «فلی شوقی بنام» برای جشن رده‌بندی سنی بازی‌های رایانه‌ای و دو پوستر تاتار از «مینوو شاولدو» و همین‌طور پوسترهایی در بخش محیط‌زیست که به مراتب آبرومندانه‌تر از بخش آزاد برگزار شده‌است. چیره‌دستی در عین سادگی بی‌نظیر طراحان شرقی دور را نظاره کرد

## تهران امروز

روزنامه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی صبح ایران

شنبه / ۹ آبان ماه ۸۸

پیشنهاد سردبیر

■ جهان فرهنگ ■

## لئوی عزیز پاتو بکش بیرون



نه اورسن ولز، نه صدای زینار (سناتور) آنتون کاراس و نه اکسپرس سینیونیسیم استادانه، هیچ کدام در کار نیست. نویسی مگواور به جای جوزف کاتن. «پیر باز یگرانی» بی‌سن و سسال به جای مردهای عظیم‌الجثه‌ای که نگران دبالوگ‌های‌شان هستند. لئوی عزیز شاید...

## نظر

■ بینال گرافیک ■

### گذری کوتاه بر دوسالانه گرافیک

رضایابگان

تهران امروز

۱- دوسالانه گرافیک امسال واقعا بین‌المللی شده است. در واقع می‌شود گفت مسئولان دوسالانه زحمت کشیده‌اند و گروهی از گرافیست‌های ایرانی که بیشتر آنها جوانان هستند را به نمایشگاهی خارجی برده‌اند. این روزها در سه گالری اول موزه هنرهای معاصر تهران به سختی می‌توانید اثری ایرانی را روی دیوار ببینید. احتمالاً مسئولان موزه در نبود هنرمندان ایرانی چاره‌ای غیر از دست به دامان خارجی‌ها شدن، پیدا نکرده‌اند. البته این آثار هم هیچ توضیح و تشریحی درباره موضوع خود ندارند و اگر از زبان آنها باز نیابور، نمی‌فهمید گرافیکت بخت بر گشته به چه منظوری آن را خلق کرده است.

۲- بخش بزرگداشتی که بنا بود برای چند گرافیست در این دوره برگزار شود، واقعا مفصل است. شما می‌توانید برای حدود دو دقیقه به فضاهایی وارد شوید که با پرده‌های تیره رنگ از فضای اصلی موزه جدا شده و در آنجا با ویدئو پروچشش آثار سه هنرمند پشت سر هم نمایش داده می‌شود. ناگفته نماند که درباره این هنرمندان هم هیچ شرح و توضیحی وجود ندارد. البته دلیل آن هم واضح است چون ممیز، فو کودا و فلچر آنقدر شهرت دارند که نیازی به توضیح درباره آنها وجود نداشته باشد. خوشبختانه سرعت نمایش کارها هم آنقدر بالااست که خیلی وقت شما را نمی‌گیرد و برای هر اثر می‌توانید حداکثر پنج ثانیه وقت بگذرانید.

۳- از همان ابتدا برای این دوره از دوسالانه بخش‌های زیادی در نظر گرفتند. اما اگر امیدوارید از همان بخش‌ها موجود هم سردربیاورید زیاد به در و دیوار نگاه نکنید چون چیزی عایدتان نمی‌شود فقط هر جا دیدید که پوسترها به موضوع محیط زیست مربوط می‌شوند بدانید به بخش موضوعی وارد شده‌اید.

۴- به آخر نمایشگاه و گالری نهم موزه که برسید بالاخره با مجموعه‌ای از آثار هنرمندان ایرانی در کنار هم روبه‌رو می‌شوید، آن هم چه آثاری؛ آثاری از ابراهیم حقیقی، فرهاد فروزی، فرزاد ادیبی، مرتضی ممیز، قباد شیوا و... البته این آثار به بخش جنبی دوسالانه اختصاص دارد و آثار این هنرمندان هم از آرشپو هرگز هنرهای نمایشی جمع آوری شده و تاریخ برخی از آنها به سال‌های قبل از انقلاب بازمی‌گردد. انگار مسئولان دوسالانه سعی کرده‌اند جای خالی هنرمندان صاحب‌نام را به این ترتیب پر کنند.

۵- دست آخر جا دارد یاد می‌ی از قیاد شیوا کنیم که به ریاست دوسالانه انتخاب شد، پوستر آن را طراحی کرد، با روابطی که داشت توانست آثار جمعی از هنرمندان خارجی را به ایران بیاورد و در نهایت چاره‌ای جز این ندید که عطای دوسالانه را به لقایش ببخشد.

### حاضران و غایبان دوسالانه

■ بینال گرافیک ■

### موظفیم اثرمان را ارائه بدهیم



نمایشگاه اثر منغی می‌گذار، فارغ از اینکه دلایل آنها برای تحریم تا چه اندازه درست یا اشتباه بوده است.» با همه اینها به اعتقاد اتابکی وظیفه هنرمندان این است که مردم را به حضور در نمایشگاه‌ها دعوت کنند و برای تحقق این کار باید از حواشی‌ها به دور بود. او با اشاره به اینکه اتفاقاتی از این دست تنها در مملکت ما پیش می‌آید، می‌گوید: «مگر ما در سال چند جشنواره گرافیک داریم؟ دوسالانه هم که هر دو سال یک بار برگزار می‌شود. نباید مخاطبین مان را محروم نگه داریم. یک هنرمند موظف است کارش را به مردم و مخاطبانش ارائه بدهد. هنرمندان این مسئولیت را در مقابل جامعه دارند که اثر، نگاه و طرز تفکرشان را ارائه بدهند.»

### اتفاقی که در خلأفتاده است



او که مدرس دانشگاه است و آموخته‌های گرافیکی اش را به دانشجویان تدریس می‌کند، با بیان اینکه نمی‌تواند درباره کیفیت آثار نمایشگاه اظهارنظری بکند، می‌گوید: «مساله اینجاست از هر کسی که در کار گرافیک است درباره کارها می‌پرسم هیچ کدام‌شان نمایشگاه را ندیده‌اند وقتی هیچ کدام از دانشجویانی که در کلاس‌های من هستند نمایشگاه را ندیده‌اند، هیچ کدام از دوستان گرافیستم هم نه شرکت کرده‌اند و نه کارها را دیده‌اند، یعنی دوسالانه اتفاقی بوده که در خلأ افتاده، عده بسیاری نه شرکت کرده‌اند و نه حتی بازدید کرده‌اند.»



مستولان انجمن گرافیک داشتیم کسی تمایلی به گفت‌وگو نداشته و انگار هیچ انگیزه‌ای هم برای دیدن نمایشگاه نداشتند.

به اعتقاد آنها عدم حضور تعداد زیادی از گرافیست‌های مطرح در بی‌نلال نه تنها کیفیت نمایشگاه را پایین می‌آورد، بلکه انگیزه بازدیدکننده‌ها را هم کم می‌کند. این بی‌توجهی به خواسته‌های هنرمندان، اثر منفی‌اش را در مهم‌ترین دوسالانه داخلی گرافیک در دوره‌های آینده هم نشان می‌دهد.